

جشن های پوشالی

این روزها مد جدید این است که برخی برای هر بهانه کوچک و تغییر معمولی در زندگی، جشن‌هایی عجیب‌وغریب تدارک می‌بینند



این یکی خنده دار است: «امروز دهمین روزی است که اسراخانم از پوشک گرفته‌شده‌است، به این مناسبت جشنی کوچک گرفتیم. با قبول دوتمان ما را خوش حال کنید.» دیگری هم عجیب است: «گل پسر عزیزمان، مهبارجان، یاد گرفته‌است اسم خودش را بنویسد. پنجشنبه شب برایش یک دورهمی گرفته ایم که خوش حالی همه را ببیند. لطفا همراه گل پسر تان تشریف بیاورید.» وقتی در اینستاگرام یا سایت‌های تبلیغاتی می‌چرخید و نمونه‌های تم جشن و مراسم و انواع کیک را می‌بینید، کنجکاو می‌شوید که بدانید آن بیرون چه خبر است. نیازی نیست خیلی دنبال‌شان بگردید. یکی جشن تعیین جنسیت گرفته‌است، آن یکی جشن نیش زدن اولین دندان و دیگری گودی پای بستونک. جدا از این‌ها که مخاطبشان کودک است، جشن‌هایی با محوریت بزرگ سال هم رایج شده‌است: جشن خدا حافظی از روزهای مجردی، جشن طلاق، اعلام خبر بارداری و... خلاصه حسابی شلوغ است این بازار و خلاقیت از سر روی مخاطبانش می‌بارد.

ما هم از حاضران در این بازار هستیم، بالاخره یا میزبان بوده یا به یکی از آن‌ها دعوت شده ایم. پشت این جشن‌ها یا شاید بهتر باشد بگوییم جشن‌نماها، حرف‌های نگفته بسیار است؛ از دغدغه‌هایی که برای برگزاری مراسم دارند و تهیه تم و هزینه‌های گزافش تا رفتاری که به همین سادگی‌ها با تصمیم هر کدام از مادر جامعه مد می‌شود و چند وقت دیگر همه مجبور خواهند شد آن را انجام بدهند، آن هم به بهانه شادی. البته پشت هر رفتاری هدفی نهفته است و باید دید آیا چنین مراسمی واقعا جلوه بیرونی همان اهداف است.

گزارش روز



روزنامه‌نگار تگم جاوید

● ازدل یک اتفاق معمولی

تا دلتان بخواهد نمونه هست، بستگی دارد به سلیقه و انتخاب شما. دسترسی آسان و جذابیت‌های بصری این گونه مراسم، خیلی‌ها را وسوسه کرده‌است. آن قدر که حالا این جشن‌ها دارد به یک بخش ضروری از زندگی تبدیل می‌شود. معلوم نیست ریشه این جشن‌ها کجاست. مراسم زیادی را از گذشته در هر فرهنگ و هر شهر و روستایی داشتیم و داریم. اما این نمونه‌ها را آوردیم، چون اضافی‌اند، خیلی اضافی. اولش اینکه یک مراسم پرآب و تاب را بر پایه یک اتفاق معمولی بنا می‌کنند. گاه برای رخدادهای تلخ. سوای این‌ها، تحت تأثیر دیگران بودن یا همان چشم‌وهم چشمی خودمیان و همین‌طور نقش فروشاگه‌ها و تخفیف‌هایشان در تشویق به برگزاری این جشن‌ها به شدت مؤثر است.

● بهانه‌های کوچک و بزرگ

این قدر در این شش ماه بعد از عروسی جشن و مراسم گرفته‌اند که اقوام و دوستان هم کلافه

شده‌اند. اول مراسم اعلام نامزدی بود، بعد عقد در خانه، سپس یک عقد آزیایی در تالار. این‌ها جدا از شب چله و تولد‌های سورپرایزی نیلوفر و امیر بود. نیلوفر می‌گوید: ما عاشق دورهمی و جشن گرفتن هستیم. چه چیزی از این بهتر! در این روزهای پر از غم و خستگی همه دنبال بهانه‌ای برای شادی می‌گردند. ما هم از هر بهانه‌ای برای جمع کردن دوست و آشنا استفاده می‌کنیم.

این جمع شدن‌ها، اجاره باغ، تهیه شام و خوراکی‌های دیگر هر بار برایشان ده‌ها میلیون تومان آب می‌خورد، اما چون هر دو پزشک هستند، چندان غمی ندارند. ولی گاهی اعتراض اطرافیان را شنیده‌اند: یکی دو مراسم اول همه استقبال می‌کردند و خوش حال بودند، اما بعد به شوخی و خنده می‌گفتند که ما

از عهده تهیه لباس خودمان و کادوی مراسم شما بر نمی‌آییم. به نظر من و همسرم البته این‌ها بهانه خوبی نیست، چون ما هم در قبال پذیرایی آن‌ها هر بار هزینه می‌کنیم و این یک

ما که در زندگی مشترک بر سر هیچ چیزی تفاهم نداشتیم، در این یک قلم ترجیح دادیم یک مراسم بگیریم و به همه توضیح بدهیم که توافقی از هم جدا شده‌ایم. نمی‌خواستیم هربار یک نفر بعد از دیدن عکس‌های پاک‌شده از اینستاگرامان یا از این و آن بشنود و توضیح بخواهد

زندگی یکنواخت یا خودنمایی افراطی؟

جامعه‌شناس مشهدی جشن‌های نامتعارف را راهی برای خودنمایی خانواده‌ها می‌داند

فرهنگ هم‌مانند هر پدیده دیگری در جامعه‌زنده و پویاست و همیشه براساس اتفاقات گذشته ادامه پیدا نمی‌کند. در دیدگاه جامعه‌شناسی این مراسم برای فرد و جامعه کارکردهایی هم دارد.

وی یادآوری می‌شود: برای برخی کارکرد این است که چنین مراسمی به‌کار جامعه‌پذیری می‌آید. یعنی آدم‌ها تغییرات زندگی خود و انتقال از یک نقش به نقش دیگر را با چنین جشن‌هایی علامت‌گذاری می‌کنند و این باعث می‌شود نقش بعدی را بیشتر بپذیرند. جشن تولدها هم به نوعی مراسم گذر است؛ زیرا می‌پذیریم که یک بار دیگر متولد شده‌ایم. وی همان پویایی جامعه و فرهنگ را دلیل این تغییرات و اضافه شدن مراسم می‌داند و اضافه می‌کند: به این ترتیب هر جامعه‌ای به تناسب، نوبه‌نو مراسم دیگری را اضافه می‌کند یا برخی مراسم را از جامعه دیگری می‌گیرد و انجام می‌دهد. مثل برخی مراسم

که از جوامع غربی آمده‌است. جوامع معمولاً به این فضاها و نمادها نیاز دارند؛ اما در جامعه ما شبیه بسیاری دیگر از رفتارها که در پرتو مدرنیزه و شبکه‌های اجتماعی به رفتارهای نمایشی تبدیل شده‌اند. در این مراسم و جشن‌ها هم این جنبه به شدت برجسته شده است. فرهنگ هم‌مانند هر پدیده دیگری در جامعه‌زنده و پویاست و همیشه براساس اتفاقات گذشته ادامه پیدا نمی‌کند. در دیدگاه جامعه‌شناسی این مراسم برای فرد و جامعه کارکردهایی هم دارد. وی یادآوری می‌شود: برای برخی کارکرد این است که چنین مراسمی به‌کار جامعه‌پذیری می‌آید. یعنی آدم‌ها تغییرات زندگی خود و انتقال از یک نقش به نقش دیگر را با چنین جشن‌هایی علامت‌گذاری می‌کنند و این باعث می‌شود نقش بعدی را بیشتر بپذیرند. جشن تولدها هم به نوعی مراسم گذر است؛ زیرا می‌پذیریم که یک بار دیگر متولد شده‌ایم. وی همان پویایی جامعه و فرهنگ را دلیل این تغییرات و اضافه شدن مراسم می‌داند و اضافه می‌کند: به این ترتیب هر جامعه‌ای به تناسب، نوبه‌نو مراسم دیگری را اضافه می‌کند یا برخی مراسم را از جامعه دیگری می‌گیرد و انجام می‌دهد. مثل برخی مراسم

● گرایش‌های طبقه متوسط به بالا
دانشیار پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی استان درعین حال با تأکید بر دید انتقادی به ماجرا یادآوری می‌کند که ممکن است وفور این مراسم یا افراط در آن ناشی از خستگی‌های زندگی روزمره یا جست‌وجوی مغری برای رهایی از وضعیت خسته‌کننده زندگی افرادی باشد که رضایت چندانی از زندگی‌شان ندارند. نکاتی مانند تجملات، حاشیه برگزاری این مراسم هستند و شاید هم جنبه‌نمایشی داشته باشند و اصل ماجرا چیز دیگری باشد.

بخشی می‌افزاید: مراسم تعیین جنسیت، جشن گذار است که خانواده بسته به میزان توان مالی و فراغتی که دارد، ممکن است از این‌ها کم یا زیاد داشته باشد که بررسی جزئیات آن نیازمند پژوهش است، اما نکته مهم این است که ما وفور این مراسم را بیشتر بین خانواده‌هایی می‌بینیم که خانم‌ها خانه‌دار هستند و جزو طبقه متوسط به بالا. این طبقه

پرونده ویژه

● دماغ نو مبارک!



این روزها اگر نگاهی به اطرافتان بیندازید، عمل‌های زیبایی بین مردان و به‌ویژه خانم‌ها زیاد شده است. هر کس به نحوی می‌خواهد عمل زیبایی‌اش را به رخ دیگران بکشد. مهسا یکی از آن دخترانی است که همه خطرهای عمل را پشت سر گذاشته است تا دماغش را عمل کند. او بعد از عمل موفقیت‌آمیز دماغش سوای از اینکه در فضای مجازی به گوش همه رسانده، تصمیم گرفته است در یک عصر بهاری هم برای تعدادی از دوستان دانشگاهی‌اش جشن پروپیمانی تدارک ببیند و از بینی جدیدش رونمایی کند.

● بای‌بای پوشک



کافی است تیر این بخش از مطلبمان را در جست‌وجوگر اینترنتان بنویسید و سپس تصاویر آن را ملاحظه کنید. کلی تصاویر چندش‌آور به پستان می‌خورد. محتوای این جشن عجیب‌وغریب به این صورت است که پدرومادرها از اینکه کودکشان می‌تواند بدون استفاده از پوشک زندگی کند، بسیار خوش‌حال هستند. در نتیجه جشنی را تدارک می‌بینند که در آن همه المان‌ها حتی کیک به‌صورت پوشک طراحی شده است. میهمانانی هم به این جشن دعوت می‌شوند و از این باب‌ت که کودک خانواده دیگر پوشک ندارد، دور هم دست می‌زنند و... در پایان هم خانواده از میهمانان پذیرایی مفصلی می‌کند.

● پسریا دختر؟ مسئله این است



از دیگر جشن‌های باب‌شدن این روزها جشن تعیین جنسیت است. در این جشن میهمانان دعوت می‌شوند و هیچ کدامشان از جنسیت بچه‌ای که در شکم مادر است، خبر ندارند. جشن با المان‌های آبی و صورتی طراحی می‌شود که رنگ آبی نماد فرزند پسر و رنگ صورتی نماد فرزند دختر است. میهمانان پس از چند ساعت حضور در میهمانی، بعد از برش کیک از رنگ داخل آن از جنسیت بچه مطلع می‌شوند و جشن می‌گیرند.



● به واسطه توسعه فناوری در انجام امور منزل وقت آزادتری دارد که در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌شود و همین عامل مهمی در انجام رفتارهای نمایشی است. وی در پایان نکته‌هایش اضافه می‌کند: تبصره‌ای می‌زنم که به‌کار شما در این گزارش می‌آید و آن هم این است که اگرچه این مراسم‌ها به خودی خود خوب هستند و هر جامعه‌ای به آن نیاز دارد، به نظر می‌رسد منشأ این مراسم نوپدید در جامعه ما به دلیل جنبه نمایشی ایجاد شده است. این‌ها تلاشی است برای نمایش بیشتر خود و خودنمایی که آدم‌ها به‌ویژه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌آسانی قادر به انجام آن خواهند بود. پس آن مناسبت یک مرحله گذر در زندگی افراد است و گرامیداشت آن امری عادی، اما به این دلیل که درگیر مراسم و تجملات و مسائل دیگر می‌شود. کارکرد دیگری پیدا خواهد کرد و می‌تواند آسیب‌زا باشد.

شماره ۱۳

شماره ۱۳
۲۳ خرداد ۱۴۰۲
۱۳۴۴ هجری شمسی
شماره ۱۳۴۴



چشمه

گفت‌وگو

تحلیل نازیبای جشن‌های زیبا از نگاه روان‌شناس



و پس زمینه خاص، درحالی‌که آن فرزند مهره مهمی در مراسم نیست و این کار هم نشانه دوست داشتن آن‌ها نیست. در حقیقت افرادی که به مراسم می‌آیند، بدان هم به‌صورت کامل ناخودآگاه. با این نگاه، آنچه از افراد و خانواده‌ها به شکل برپایی جشن و مراسم شادمانه سر می‌زند، هر چند ظاهر خوشایندی دارد، ممکن است تفسیر تلخی در پی داشته باشد.

تحلیل این رفتارها را می‌گذاریم برعهده روان‌شناسی که برایمان

از جزئیات آنچه از آدم‌ها

سر می‌زند، بگوید.

● جشن‌های نامتعارف

دکتر علی کاظمی دولتی،

روان‌شناس و مشاور،

سال‌هاست در حوزه

خانواده کار می‌کند

و تا موضوع را می‌شوند،

موارد بسیاری را از میان

مراجعاتش به‌عنوان

مثال می‌آورد. او تأکید

می‌کند که ابتدای

سخنانش را با تعریف

و تفاوت جشن‌های

متعارف و نامتعارف

آغاز کند: جشن‌ها دو

دسته‌بندی مشخص

دارند. نامتعارف بودن

بسته به میزان سابقه فرهنگی در اجتماع است. پس آنکه عاقلانه طلاق می‌گیرد، درباره جشن‌ها چه چیزی را متعارف می‌داند. بی‌تردید جشن‌هایی متعارف هستند که از هنجارهای جامعه خارج نباشند، مثلاً شما هرگز جشن تولد را وسط خیابان برپا نمی‌کنید یا هزینه‌های مراسم این قدر سرسام‌آور باشد که برای هر فرد عادی عجیب باشد. جشن تولد یک میلیاردری برای همه عجیب است.

وی هزینه‌های گران، برگزاری جشن‌های مکان‌های نامتعارف همچون اجاره یک باغ هکتاری برای جشن عقد کوچک، حضور افراد خاص و ناهنجار یا تشریفات خاصی مانند لزوم سرو مشروبات الکلی یا استفاده از اجمله و ویژگی‌های جشن نامتعارف می‌داند و ادامه می‌دهد: مراجعه‌کننده‌ای داشتم که هفت شبانه‌روز مراسم عقد برگزار کرده بود. یعنی هفت شب مهمان دعوت کردند و لباس عروس و آرایشگاه و هر شب برایشان خطبه‌عقد خوانده بود، زیرا معتقد بودند برگزار کردن یک بار مراسم عقد کافی نیست و چه کسی گفته عقد باید یک شب باشد!

این روان‌شناس به جشن مرسوم دیگری

اشاره می‌کند و عواقب روان‌شناختی

آن: جشن طلاق، برپا کردن یک امر

کاملاً ناهنجار فرهنگی و روان‌شناختی

است. زیرا ما امر طلاق را همواره

بابتعات و آسیب‌های فردی و اجتماعی

همراه می‌دانیم. اگر کسی از چنین

موضوعی آگاه است، جامعه هم می‌داند

و روان‌شناس و متخصص علوم رفتاری

هم می‌دانند، مگر می‌شود برای چنین

موضوع آسیب‌زای اجتماعی جشن گرفتن

و شادمانی کرد؟ به وجود آمدن این سؤال

نشان می‌دهد اول اینکه این جشن

در دسته مراسم نامتعارف قرار می‌گیرد

و دوم اینکه در پس این جشن ماجرای

دیگری نهفته است.

کاظمی درباره جشن طلاق معتقد

است: پشت این جشن معمولاً مشکلات

روان‌شناختی عمیق‌تری پنهان شده

است. کسی که اعتماد به نفس زیادی دارد،

وقتی تصمیم به جدایی می‌گیرد، ماجرا

برایش تمام است. آن وقت هر کدام باید

بروند دنبال زندگی خودش. اما کسی

که جشن می‌گیرد، یعنی اعتماد به نفس

ضعیفی دارد و هنوز نتوانسته است آن

موضوع را رها کند. در نتیجه می‌خواهد

به‌فرد مقابلهش بگوید فکر نکن من از این

اتفاق ناراحتم، اتفاق خیلی خوش‌حال

و در حال لذت بردن از زندگی جدیدم

ندارد، زیرا در هر سطح مالی می‌توان

جالب است که چنین افرادی به همان

جشن هم راضی نمی‌شوند. یعنی ماجرا

را رها نمی‌کنند. بعد از طلاق هرکاری

می‌کنند برای نشان دادن خوشبختی

خود و خودنمایی که هنوز حاصلش نباشد.

وی ادامه می‌دهد: والدین بسیاری

جشن تولد فرزندشان را در باغ بزرگ

و مجلل می‌گیرند، با لباس‌های یکدست

کسانی که به چنین کارهایی اصرار دارند.